

آینده در هومه است!

مصاحبه با «دوگلاس دوگه لیتوو»، لاتین کینگز، درباره‌ی هیپ هوپ!

«آقاهه فکر می‌کرد بامزه س، واسه این که یه اسلحه داشت»، در دهان مردم سوئد بیش از ده سال است که می‌چرخد. حتی آن‌ها که از آلبوم سال ۹۴ «لاتین کینگز»: «به هومه خوش آمدید»، خبر ندارند، با این ترانه آشنايند. آن زمان تعداد زیادی از شخصیت‌های فرهنگی و موسیقیایی، وحشیانه به این آلبوم برخورد کردند. به سبک جدید آن و از همه بیشتر به زبان آن، که قبل از آن هرگز در سوئد استفاده نشده بود. اما الان دیگر همه ساکت شده‌اند: «پتر بزرگ»، تیتربزرگ و چند روزه روزنامه‌ی «سید سونسکا داگبلادت»، روزنامه‌ی تفریحی جنوب سوئد، بود. در این مقاله آمده است، که چگونه هیپ هوپ سوئدی پیشرو و عمیق و مستقل است. و کسی که این را نمی‌بیند، خارج از دور است.

زمان سال ۱۹۹۹ است. همان طور که دیده می‌شود، خیلی اتفاق‌ها افتاده است. از هیپ هوپ به زبان سوئدی اصیل و خالص هم اعاده حیثیت شده و هم «مد روز» است. آرتیست‌های جدید با کیفیت و کمیت‌های متفاوت از زمین و بعضی مواقع از زیر زمین می‌جوشند. در میان همه‌ی این آرتیست‌های اصیل و زیرزمینی، نامی هست که از طرف همه با احتیاط و بعضاً با احترامی مذهب گونه آورده می‌شود: The Latin Kings و Dogge Doggelito. آن‌ها پیشاهنگ بودند. اما هرگز به شکلی که صفحات «پتر، کن، و بلوئز» و بسیاری دیگر امروز به فروش می‌رسد، به فروش نرفتند. چرا؟ ما از شاه هیپ هوپ سوئد این مساله و خیلی چیزهای دیگر را پرسیدیم. من دوگه را از طریق یک خط تلفن موبیل بسیار نازک گیر می‌آورم و وقتی که صدایش را می‌شنوم که می‌گوید: الو بله. از جا می‌پریم. مستقیم به اصل مطلب می‌پردازم و طبیعی است که او وقت دارد با من سر پا مصاحبه کند.

* * *

بهرنگ کیانزاد: کی و چگونه کاربرد هیپ هوپ تو شروع شد، اگر اجازه داشته باشم که آن را کاربرد بنامم؟

- اواسط دهه‌ی هشتاد بود، که من به فرهنگ هیپ هوپ روی آوردم. منظورم رپ و تصویرسازی است. آنفلوآنزای آن از آمریکا آمده بود و ریشه در محلات فقیرنشین و سیاه

پوست آمریکا دارد. هیپ هوپ یک زندگی آلترناتیو برای خیلی‌ها بوده و هست، چیزی که امیدواری به وجود می‌آورد. در شرایطی که همه چیز دیگر ناامید کننده و آلوده به مواد مخدر و جرائم گوناگون است و ریشه در بیکاری و بی برنامه‌گی جوانان دارد، آدم می‌توانست انتخاب کند که دم مرکز خرید محله بایستد یا به هیپ هوپ روی بیاورد. من دومی را انتخاب کردم. از همه چیز مهم تر، شادی آفرینی مشغولیت به موسیقی بود. و این دلیل اصلی فعالیت ادامه دار و تا به امروز من در این زمینه است.

بهرنگ کیانزاد: آیا پیامی هم از ورای رپ داشتی و فکر می‌کنی اصولاً باید پیامی وجود داشته باشد؟

- این چیزی بود که خودش آمد، من از قبل تصمیم نگرفته بودم. من این کار را کردم، برای این که همین طور که قبلاً گفتم، به من خیلی چیزها می‌داد. این مساله که کاری که آدم ارائه می‌دهد، باید حامل پیامی باشد یا نه، بسیار شخصی است و در مورد آدم‌های مختلف فرق می‌کند. اما برای من مهم است، که پیامی داشته باشم.

بهرنگ کیانزاد: این مساله که در موسیقی رپ فحش زیاد وجود دارد... نگاه تو به این پدیده چگونه است؟

- بعضی وقت‌ها فحش چیز خوبی است، اگر به طور طبیعی بیان شود. منظور من این است، که وقتی آدم عصبانی می‌شود، فحش می‌دهد مگه نه؟ این درست مثل زندگی واقعی است. آدم عصبانی است، ناراحت است، شاد است و بر اساس این احساس‌ها، واکنش نشان می‌دهد. در هیپ هوپ هیچ سانسوری وجود ندارد.

بهرنگ کیانزاد: یکی از تم‌های اصلی کار تو مقوله‌ی راسیسم است، چرا؟ شخصاً چگونه با راسیسم روبرو شده‌ای؟

- من با راسیسم هر روز روبرو می‌شوم. وقتی که به فروشگاه می‌روم، وقتی که به مرکز استکهلم می‌روم، وقتی که با دوستانم به تفریح می‌روم و... من نیمه سوئدی‌ام، در سوئد به دنیا آمده‌ام و خودم را سوئدی احساس می‌کنم، اما در چشم سوئدی‌ها من یک خارجی هستم. این یک راسیسم پنهان است. وقتی که من «معروف» شدم، این موضوع کمی بهتر شد. اما خیلی وقت از آن ماجرا گذشته و مردم فرصت از یاد بردن قیافه‌ی مرا پیدا کرده‌اند. بنابراین، الان دوباره همان گهی که بوده هست. اما همان موقع هم برای من مهم نبود، که به من برخورد بهتری می‌شود، برای این که می‌دانستم به چه دلیل است: این که من «معروف» بودم.

این یک بازی قلایبی است و من آدمی هستم، که هرگز از تعریف شنیدن و چاپلوسی خوشم نیامده است. هرگز برایم مهم نبوده، که «صفحه» بفروشم و «ستاره» شوم.

بهرنگ کیانزاد: این خیلی بحث جالبی است، برای این که شما بودی که هیپ هوپ را در سوئد شروع کردی و دیگران حاصلش را به جیب می‌زنند. سؤال احمقانه‌ای است، اما چه احساسی داری؟

- خب، آدم چی بگه؟ کمی ناراحت کننده است. اما از آنجا که کاری را که من می‌کنم، دلایل کاملاً متفاوتی با مشهور شدن و فروختن دارد، تحملش آسان تر می‌شود. من هرگز این کار را برای پول نکرده‌ام. اما روشن است که خیلی خوب بود اگر آدم می‌توانست به وسیله چیزی که برایش کار می‌کند و می‌سوزد، زندگی‌اش را هم بگذراند و این قدر مشکل اقتصادی نداشته باشد و بتواند تمام هم و غمش را بر سر کارش بگذارد.

بهرنگ کیانزاد: نظر شرکت‌های تهیه کننده‌ی هیپ هوپ و صفحات، نسبت به تولید هیپ هوپ چیست؟

- مردم استقبال بیشتری، نسبت به وقتی که ما شروع کردیم، از این نوع موسیقی می‌کنند. کارهای ما مثل «به حومه خوش آمدید» و در «سایه‌ی بتون» مورد توجه بیشتری قرار گرفته، همین طور هم در مورد شرکت‌های تهیه کننده. البته آن‌ها بیشتر در پی پول در آوردن هستند. و امروزه دریافته‌اند که برای هیپ هوپ سوئدی بازار فروش وجود دارد و آن‌ها می‌توانند از طریق آن پول به جیب بزنند. هیپ هوپ، لالایی سال ۲۰۰۰ است.

بهرنگ کیانزاد: نظرت در مورد هیپ هوپ پتر و کمپانی چیست؟

- خوبه که چیزهای هر چه بیشتری عرضه می‌شود. خوبه که عرصه وسیع است و همه از آن سود می‌برند، اما طبیعی است که من فکر می‌کنم خارجی‌ها حرف‌های بیشتری برای گفتن از منظر خودشان دارند. و البته چنین است، که امکانات کمتری دارند. آینده در بالای شهر نیست. آینده را پائین شهر رقم می‌زند.

بهرنگ کیانزاد: آیا برای تو مساله‌ای نیست که دیگران



این قدر از شما تقلید کرده‌اند؟

- آن چیزی که من فکر می‌کنم مساله است، این است که کار جدیدی ارائه نمی‌شود. مردم فقط دنبال ما راه افتاده‌اند. ما همه این کارهایی را که الان می‌شود، ده سال پیش انجام داده‌ایم. در هر صورت، جالب است که احساس کنی این همه آدم راه تو را دنبال می‌کنند. اما من منتظرم و دلم می‌خواهد، که کارهای جدیدتر ببینم.

بهرنگ کیانزاد: از «لاتین کینگز: و هیپ هوپ در سوئد در حال حاضر چه خبر؟

- ما مشغول کار بر روی سی دی جدیدی هستیم، که در پائیز به بازار خواهد آمد. کار مجدد بسیار جالب و خوشحال کننده است.

هیپ هوپ باید آلترناتیو همه‌ی کثافات موجود باشد. من تلاش نموده‌ام، نشان بدهم که می‌توان کار دیگری هم به جای دور زدن بر دایره‌ی بدی‌ها کرد. این کار مرا نجات داده است و به احتمال زیاد دیگران را هم نجات خواهد داد. همه می‌توانند در این کار سهیم شوند. کار کردن با هیپ هوپ استعداد خیره کننده و یا کار عظیمی نمی‌خواهد. مهم ترین مساله این است، که همه با توانایی‌های متفاوت شرکت داده شوند. این مساله با قوانین عادی در جامعه تفاوت دارد. به این معنی، هیچ راسیسمی در هیپ هوپ وجود ندارد. تو می‌توانی با فاشق نقره در دهن متولد شده باشی و کماکان اجازه‌ی بودن را داشته باشی و نشان بدهی که چه کاری از دست ساخته است.

بهرنگ کیانزاد: متشکرم از این که وقتت را در اختیار من گذاشتی.

- آه ول کن پسر، این حرف‌ها چیه!

* * *